

چاپ سوم



پوران پبلیشرز

کتاب ارشد

مجموعه علوم تربیتی ۱ و ۲

روانشناسی تربیتی

مؤلف:

عادل مخبری

بهار ۱۳۹۲

سرشناسه	: مخبری، عادل، ۱۳۵۷
عنوان و پدیدآور	: روانشناسی تربیتی / مولف عادل مخبری.
مشخصات نشر	: تهران: پوران پژوهش، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۴۲۲ ص.
فروست	: کتاب ارشد، مجموعه روانشناسی و علوم تربیتی.
شابک	: 978-964-184-150-0
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
موضوع	: دانشگاه‌ها و مدارس عالی - ایران - آزمون‌ها.
موضوع	: روانشناسی تربیتی -- راهنمای آموزشی (عالی).
موضوع	: روانشناسی تربیتی - آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی).
موضوع	: آزمون دوره‌های تحصیلات تکمیلی - ایران.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۹ / ۳۱۷۳۹ م / LB۲۳۵۳
رده‌بندی دیویی	: ۳۷۸/۱۶۶۴
شماره کتابخانه ملی	: ۲۱۱۰۱۴۲

انتشارات پوران پژوهش

نام کتاب:	روانشناسی تربیتی
تألیف:	عادل مخبری
ناشر:	پوران پژوهش
حروفچینی:	پوران پژوهش
چاپ:	آرش
صحافی:	سیدالشهدا
شمارگان:	۲۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ:	سوم - بهار ۱۳۹۲
قیمت:	۱۶۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۱۸۴-۱۵۰-۰

ISBN 978-964-184-150-0

دفتر مرکزی: میدان انقلاب - ابتدای کارگر جنوبی - کوچه مهدیزاده - پلاک ۹ - واحد ۴ تلفن: ۶۶۹۲۷۰۴۰

این اثر، مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف و ناشر، نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

به نام تنها پرستیدنی که قلم را آفرید

پیش‌گفتار انتشارات

نگاهی به شمار داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد نشان می‌دهد که در این سال‌ها درخواست تحصیل در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها افزایش چشمگیری داشته است. دشواری پیش روی بیشتر داوطلبان، گوناگونی منابع درسی و نبود دسترسی به آنها و همچنین نمونه آزمون‌های مناسب برای تمرین و فهم بیشتر مفاهیم درسی است.

مدیریت بنیاد انتشاراتی پوران پژوهش، آقای دکتر احمد هژبر، همسرشان بانو افسانه عبدی و آقای ولی‌ا... علیدوست با بیش از ۱۵ سال کوشش در راستای برآورده‌سازی نیاز داوطلبان، با سیاست کلی چاپ کتاب‌های ارزنده با بهایی درخور، آماده‌سازی و گردآوری چهار مجموعه‌ی گوناگون با آماجهای روشن را در دستور کار قرار داده است.

مجموعه‌ی نخست با نام کتاب ارشد (با جلد آبی‌رنگ) که تاکنون به دست داوطلبان رسیده، با پذیرش چشمگیری همراه بوده است. در هر عنوان کتاب ارشد، پس از شرح کامل درس در هر فصل، پرسش‌های چهارگزینه‌ای آزمون‌های سراسری و آزاد چند سال گذشته با پاسخ‌های تشریحی آورده شده است. شرح درس در هر کتاب از این مجموعه به گونه‌ای است که برای دانشجویان سال‌های پایین‌تر سودمند است و نیز یک منبع درسی مناسب برای دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها می‌باشد. کتاب ارشد نخستین بار در مهرماه سال ۱۳۸۰ در قالب پانزده عنوان به داوطلبان شناسانده شد و هم‌اینک بیش از ۲۲۰ عنوان را دربرمی‌گیرد. مجموعه‌ی دوم با نام چند آزمون ارشد (با جلد سیاه‌رنگ) به گونه‌ای گردآوری شده است که دانشجوی دفترچه‌های آزمون‌های سراسری سال‌های گذشته را با پاسخ‌های تشریحی در یک کتاب خواهد داشت.

مجموعه‌ی سوم با نام بانک تست ارشد (با جلد نارنجی‌رنگ) در دروس پایه و تخصصی هر رشته، یک کتاب کار به شمار می‌رود که در آن پرسش‌های طبقه‌بندی‌شده به همراه پاسخ‌های تشریحی آورده شده است تا دانشجو با حل و بررسی آن‌ها توانایی بایسته برای پاسخ‌گویی به آزمون‌ها را به دست آورد. در آخر مجموعه‌ی چهارم که با جلد قهوه‌ای رنگ عرضه شده و به عنوان کتاب‌های مرجع در دانشگاه‌ها آموخته می‌شود.

بسمه تعالی

مقدمه مؤلف

سپاس ایزاد یکتا را که توانی دوباره به اینجانب داد که این کتاب را برای دانشجویان عزیز و گرامی فراهم کنم. در این کتاب سعی شده که خلاصه مطالب روانشناسی تربیتی و سؤالهای کنکور دانشگاه سراسری و آزاد و تألیفی در رشته‌های مجموعه علوم تربیتی (۱) و علوم تربیتی (۲) که در آنها درس روانشناسی تربیتی وجود دارد گنجانده شود. این کتاب با توجه به حجم و مطالب کامل آن به نحوی تألیف شده است که دانشجویان عزیز را از هر گونه مراجعه به کتب دیگر بی‌نیاز می‌کند و منبع و مرجع کاملی برای تمام نیازهای آنان می‌باشد. امید است که به این هدف خود در تألیف این کتاب نایل آمده باشیم. از خواهر عزیز و گرانقدرم که زحمت ویرایش و غلطیابی و تصحیح مطالب را با صبر و شکیبایی و سواس تحمل‌ناپذیر اینجانب انجام دادند تشکر و قدردانی نمایم، همچنین از مدیریت محترم مؤسسه پوران پژوهش و تمام همکاران محترمشان که در چاپ هر چه بهتر این مجموعه مرا یاری کردند کمال تشکر و سپاس را دارم.

با آرزوی توفیق و سربلندی

عادل مخبری

۰۹۳۷۰۰۵۷۵۷۵

adel_mokhberi@yahoo.com

۶۰

آموزش همه چیز است، هلو روزی منغز با دام تلخی بود، گل کلم
چیزی نیست جز کلمی با آموزش عالی.

(مارک تواین)

۶۱

فهرست مطالب

فصل اول. درآمدی بر روانشناسی تربیتی (Educational Psychology).....	۱
فصل دوم. نظریه‌های رشد شناختی پیاژه، ویگوتسکی و برونر.....	۲۱
فصل سوم. نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون و نظریه رشد اخلاقی کلبگ.....	۵۱
فصل چهارم. نظریه‌های یادگیری رفتاری پاولف، ثراندیک و اسکینر.....	۶۷
فصل پنجم. آموزش به کمک روش‌های تغییر رفتار.....	۹۵
فصل ششم. نظریه‌های یادگیری شناختی گشتالت، آزوبل و بندورا.....	۱۳۱
فصل هفتم. نظریه‌های یادگیری شناختی خبرپردازی.....	۱۶۳
فصل هشتم. نظریه‌های یادگیری سازنده‌گرایی.....	۱۸۳
فصل نهم. انگیزش در یادگیری.....	۱۹۳
فصل دهم. سبک‌های یادگیری و تفکر.....	۲۱۵
فصل یازدهم. هوش، تفکر، مفهوم‌سازی و قاعده‌آموزی.....	۲۴۷
فصل دوازدهم. حل مسئله، تفکر انتقادی و آفرینندگی.....	۲۷۱
فصل سیزدهم. طراحی آموزشی، هدف‌های آموزشی.....	۲۹۳
فصل چهاردهم. طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی.....	۳۱۵
فصل پانزدهم. آموزش معلم محور: آموزش به کمک سخنرانی و آموزش مستقیم.....	۳۴۱
فصل شانزدهم. آموزش یادگیرنده - محور.....	۳۶۷
فصل هفدهم. سنجش یادگیری و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی.....	۳۸۳
ضمیمه. سؤال‌های آزمون سراسری.....	۴۰۳
منابع.....	۴۴۰

فصل اول

درآمدی بر روانشناسی تربیتی (Educational Psychology)

در ارائه یک تعریف ساده از روانشناسی پرورشی یا روانشناسی تربیتی می‌توان گفت که روانشناسی تربیتی یکی از شاخه‌های روانشناسی است که به مطالعه ویژگیهای یادگیرنده، شرایط یادگیری و روشهای آموزش می‌پردازد (اسلاوین، ۲۰۰۶). مطالعه علم روانشناسی پرورشی به معلمان فعلی و آتی کمک می‌کند تا ویژگیهای دانش‌آموزان و دانشجویان خود را بشناسند، ماهیت یادگیری و چگونگی شکل‌گیری آن را درک نمایند، روشها و فنون مؤثر آموزش و کلاس‌داری را فرا گیرند و راههای کمک به رشد و یادگیری شاگردان خود را بیابند.

رشته روانشناسی پرورشی، در بدو تأسیس تقریباً همه موضوعهای روانشناسی را در بر می‌گرفت اما با گسترش رشته‌های مختلف روانشناسی و تخصصی شدن و استقلال یافتن آنها، دامنه موضوعهای روانشناسی پرورشی نیز محدود شد و عمدتاً به مطالعه ویژگیهای یادگیرندگان، یادگیری و آموزش پرداخت. در این باره که روانشناسی پرورشی یک شاخه مستقل علمی است با روشها قوانین و نظریه‌های خاص خودش یا اینکه صرفاً اصول روانشناسی را در موقعیتهای آموزشگاه و کلاس درس به کار می‌بندد سه نظر متفاوت مطرح شده است:

❖ **نظر اول** این است که روانشناسی پرورشی عمدتاً به کاربرد دانش کسب شده، از روانشناسی در فعالیتهای کلاسی گفته می‌شود، پیروان این نظریه معمولاً از نامگذاری کتابهای درسی خود با عنوان روانشناسی پرورشی پرهیز می‌کنند و به جای آن، عناوینی چون کاربرد روانشناسی در آموزش یا روانشناسی برای آموزش و ... بکار می‌برند.

❖ **نظر دوم** این است که روانشناسی پرورشی به استفاده از روشهای روانشناسی برای مطالعه فعالیتها و موقعیتهای کلاس درس و محیط آموزشگاه می‌پردازد.

❖ **نظر سوم** این است که روانشناسی پرورشی یک نظام مستقل است با نظریه‌ها، روشهای پژوهش، مسائل و فنون مخصوص به خودش که این نظر امروزه بیشترین طرفدار را دارد. طرفداران این نظر برای روانشناسی پرورشی دو هدف و وظیفه اصلی قائلند:

۱- درک و فهم فرایندهای یادگیری و آموزش

۲- تهیه و گسترش راههای بهبود بخشیدن به این فرایندها

بلکین و گری (۱۹۷۷) سه عامل اساسی یادگیرنده، معلم و فرایندی که بین این دو واقع می‌شود را موضوعهای اصلی روانشناسی پرورشی می‌دانند. همچنین سیفرت (۱۹۹۱)، مطالعه چگونگی ایجاد یادگیری و اینکه به چه نحوی آموزش می‌تواند به‌ایجاد یادگیری کمک نماید تعریف کرده است. وولفلک (۲۰۰۲)، روانشناسی پرورشی را یک نظام وابسته به فرایندهای آموزش و یادگیری می‌داند که هم روشها و نظریه‌های روانشناسی را به کار می‌بندد و هم دارای روشها و نظریه‌های خودش است.

روانشناسی تربیتی به معنای امروزی آن با کوشش ادوارد ثرنادیک (۱۸۷۴-۱۴۹۴) از شاگردان ویلیام جیمز (۱۸۴۲-۱۹۱۰) در دانشگاه‌هاروارد و استاد دانشکده تربیت معلم در دانشگاه کلمبیا آغاز شد. ثرنادیک به یادگیری علاقه مند بود و مطالعات خود را با آزمایش حیوانات آغاز کرد ولی توجه عمده او به چگونگی یادگیری انسانها معطوف شد و در اوایل قرن بیستم تحقیقات زیادی در مورد انتقال یادگیری در انسان با همکاری وودورث انجام داد. از سوی دیگر مطالعات روانشناسی کودک مخصوصاً تلاشهای استنلی هال در تأسیس مرکز مطالعات کودکان و نوجوانان در دانشگاه کلارک توجه تعلیم و تربیت را به روانشناسی علمی معطوف کرد.

آزمونهای مختلف هوشی، پیشرفت تحصیلی، علائق، شخصیت نیز در پیشبرد روانشناسی تأثیر عمده‌ای داشته و انگیزه و زمینه قابل توجهی برای تحقیقات تربیتی فراهم کرده است. آراء دیوئی، توجه به روش علمی و مسائل یادگیری را رونق بخشید و با تأکید بر فعال بودن انسان در جریان یادگیری، زمینه‌های پذیرش روانشناسی گشتالت را که در آلمان شکل گرفته بود فراهم کرد. آراء پیازنه به روانشناسان تربیتی در برداشت صحیح از تواناییهای ذهنی دانش‌آموزان کمک کرد و بر شناخت همه جانبه آنها، تهیه مواد، برنامه‌ها و روشهای مناسب در آموزش تأثیر شگرفی گذاشت.

تعریف یادگیری (Learning)

مفهوم یادگیری را می‌توان به صورتهای مختلف تعریف کرد: کسب دانش و اطلاعات، عاداتهای مختلف، مهارتهای متنوع، و راههای گوناگون حل کردن مسائل و ... معروفترین تعریف یادگیری به قرار زیر است: یادگیری به فرایند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری که حاصل تجربه است گفته می‌شود و نمی‌توان آن را به حالتهای موقتی بدن مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی، یا مصرف داروها پدید می‌آید نسبت داد. (کمبل-۱۹۶۱، لگان-۱۹۷۰، آندرسون-۱۹۹۵، ص ۴). بر اساس تعریف فوق، یادگیری به تغییر می‌انجامد؛ یعنی بعد از کسب تجربه یادگیری موجود زنده، از جمله انسان، از حالت قبل از کسب تجربه به یک حالت تازه تغییر می‌یابد. این یادگیری چه پیچیده باشد و چه ساده در هر حال، یادگیرنده پس از کسب مهارت یا اطلاع تازه در نحوه برخوردش با رویدادها، در مقایسه با زمان پیش از یادگیری تغییر می‌کند. به عبارت دیگر ما پیوسته بر اثر تجارب یادگیری در حال تغییریم و آنچه بیش از هر عامل دیگری سبب دگرگونی افراد در طول زندگی می‌شود تجارب یادگیری هستند. ولی باید توجه داشته باشید گر چه هر نوع یادگیری به تغییر می‌انجامد، اما هر نوع تغییری یادگیری به حساب نمی‌آید. بعنوان مثال فرض کنید شخصی بر اثر تصادف اتومبیل یا سانحه ناگوار دیگری پایش صدمه ببیند و از آن پس

هنگام راه رفتن بلند، این یک نمونه واقعی از تغییر ایجاد شده در شخص است، اما مطمئناً نمی‌توانیم آن را یادگیری بنامیم.

به نظر تراورس یادگیری زمانی رخ می‌دهد که در نتیجه شرایط محیطی، تغییرات نسبتاً پایداری در پاسخ به وجود می‌آید. بسیاری تغییرات که ناشی از عوامل انگیزشی، هیجانی، خستگی، انطباق حسی و مانند اینها هستند و به سرعت از بین می‌روند در شمار یادگیری‌های ما قرار ندارند، تراورس، تغییرات ناشی از خستگی یا تغییرات زودگذر رفتاری را از یادگیری جدا می‌کند. همچنین پدیده‌هایی مانند خوگیری و حساسیت را جزء پدیده‌های مرزی طبقه‌بندی می‌کند که به آسانی از یادگیری قابل تمییز نیست و تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا آنها را در مقوله یادگیری طبقه‌بندی کنیم یا نه، بسیار دشوار است. برای مثال شخصی که ساعت‌های اول صبح با سرعت و دقت به کاری می‌پردازد پس از مدت زمانی به سبب خستگی، هم از سرعت و هم از دقت او کاسته می‌شود، یعنی به گونه‌ای تغییر می‌یابد. اما این تغییر موقتی و گذرا است زیرا پس از اندکی استراحت بر طرف می‌شود، پس این تغییر یادگیری به حساب نمی‌آید. به عنوان مثالی از تغییر موقتی ناشی از انطباق حسی، وقتی که شما از یک محیط پر نور وارد یک اتاق کم نور می‌شوید، بر اثر باز شدن مردمک چشم و سایر تغییراتی که در شبکیه چشم‌تان اتفاق می‌افتد، دیدتان نسبت به اشیاء اتاق تیره می‌شود، اما از آنجا که این یک تغییر فیزیولوژیکی است و بلافاصله پس از خارج شدن شما از محیط کم نور به حالت قبل باز میگردد در شمار تغییراتی که بر آنها نام یادگیری می‌نهند قرار نمی‌گیرند. پس ما تغییری را یادگیری می‌نامیم که نسبتاً پایدار باشد.

از طرفی دیگر ما یادگیری را ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در توان رفتاری می‌دانیم. توان رفتاری حاکی از آن است که یادگیری در یادگیرنده نوعی توانایی ایجاد می‌کند. یعنی تغییر حاصل از یادگیری به تغییر در تواناییهای یادگیرنده می‌انجامد نه صرفاً به تغییر در رفتار ظاهری او. ما با ملاحظه تغییرات حاصل در اعمال و رفتار آشکار فرد به تغییرات ایجاد شده در توانایی او پی می‌بریم. یعنی یادگیرنده از راه یادگیری، توانایی انجام اعمال مختلف را کسب می‌کند و بعضی اوقات این توانایی برای مدت‌ها در او به طور نهانی باقی می‌ماند و تظاهر آثار آن به صورت تغییر رفتار، تا مدتی به تأخیر می‌افتد. پس با توجه به توضیحات قبلی بین یادگیری و رفتار تمایز وجود دارد. چنان که گفته شد، یادگیری نوعی توانایی است که در فرد ایجاد می‌شود و تنها از طریق مراجعه به رفتار آشکار فردی می‌توان از آن اطلاع حاصل کرد. از سوی دیگر، رفتار به اعمال و حرکات مختلف درونی و بیرونی فرد گفته می‌شود.

روانشناسان رفتارها را به دو دسته رفتارهای آشکار و نهان تقسیم می‌کنند. رفتار آشکار به اعمالی که مستقیماً قابل مشاهده‌اند گفته می‌شود، مانند صحبت کردن، نوشتن، راه رفتن و ... رفتار نهان به اعمال درونی فرد که به طور مستقیم قابل مشاهده نیستند گفته می‌شود، مانند تفکر، تخیل و ... ما از طریق رفتار آشکار به رفتار نهان پی می‌بریم. گیج و برلانیر (۱۹۸۴) معتقدند «همه روانشناسان نیاز دارند که رفتارهای آشکار فرد را مورد مشاهده قرار دهند تا تعیین کنند آیا تغییراتی که یادگیری نام دارد در فرد اتفاق افتاده است یا نه». بنابراین ما برای کسب اطلاع از میزان یادگیری فرد به رفتار قابل مشاهده یا به اصطلاح دقیق‌تر به عملکرد او مراجعه می‌کنیم. عملکرد نیز مانند رفتار آشکار به جنبه‌های قابل مشاهده یادگیری

اشاره می‌کند، اما تفاوت رفتار با عملکرد در آن است که رفتار به هر گونه عمل شخص گفته می‌شود، در حالی که عملکرد به نتیجه عمل فرد اشاره می‌کند که در ارزشیابی از میزان یادگیری او مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نظر گانیه (۱۹۸۵) عملکردها رفتارهایی هستند که بر حسب تأثیراتشان دسته‌بندی و نامگذاری می‌شوند. عملکرد همان محصول یادگیری است. بنابراین ما با مشاهده تغییرات حاصل در عملکرد شخص استنباط می‌کنیم که در او یادگیری اتفاق افتاده است. به قول هیلگارد و باور، تفاوت بین یادگیری و عملکرد تفاوت بین «دانستن چگونه انجام دادن کاری و انجام دادن آن کار است». عملکرد فرد از عوامل مختلفی چون انگیزش و هیجان، شرایط محیطی، خستگی و بیماری تأثیر می‌پذیرد. پس با عنایت به این عوامل، عملکرد فرد ممکن است همیشه شاخص نسبتاً درستی از یادگیری او نباشد. همچنین ما تغییری را یادگیری می‌دانیم که بر اثر تجربه باشد چون علاوه بر یادگیری عوامل دیگری همچون عوامل انگیزشی، انطباق حسی، خستگی و مصرف داروها و غیره نیز منجر به تغییر رفتار می‌شوند که حاصل تجربه یادگیری نیستند و لذا یادگیری به حساب نمی‌آیند. از جمله می‌توان به رشد کردن، بالغ شدن و پیر شدن به عنوان عواملی که منجر به تغییر می‌شوند اما تغییرات حاصل از این عوامل یادگیری به حساب نمی‌آیند چون از تجربه ناشی نمی‌شوند اشاره کرد.

منظور از تجربه در تعریف یادگیری تأثیر متقابل بین محرکها (بیرونی و درونی) و یادگیرنده است. بنابراین خواندن یک کتاب، گوش دادن به یک سخنرانی، زمین خوردن کودک و فکر کردن درباره یک مطلب تجربه به حساب می‌آیند که ممکن است به یادگیری منجر شوند.

از آنجا که برخورد یادگیرنده با هر گونه تجربه ممکن است به یادگیری بینجامد، لازم نیست که یادگیری همیشه جنبه عمدی داشته باشد. در واقع بسیاری از یادگیریهایی که ما به طور اتفاقی صورت می‌پذیرند. آنچه که دانش‌آموزان و دانشجویان در ضمن آموزش رسمی معلمان درباره موضوعهای مختلف درسی می‌آموزند یادگیری عمدی است، اما در همین دانش‌آموزان و دانشجویان در ضمن حضور در مدرسه و در اثر ارتباط با معلمان و دوستان، بسیاری یادگیری‌های غیر عمدی نیز اتفاق می‌افتند که از قبل طرح‌ریزی نشده و قابل پیش بینی نیستند.

بین یادگیری و تفکر نیز تفاوت وجود دارد، تفکر هم محصول یادگیری است و هم جزء تجاربی به حساب می‌آید که به یادگیری می‌انجامد.

یادگیری و رشد

رشد، یعنی عامل تغییر دهنده رفتار، بزرگترین رقیب یادگیری است. به مدد رشد و یادگیری است که تغییرات مداومی در انسان به وجود می‌آید. اگر مجموعه رفتارهایی با توالی معقول و بدون مداخله تمرین به وجود آید، می‌گوییم این رفتار با رشد کسب شده است نه با یادگیری. معمولاً یادگیری بر کسب دانش تأکید دارد. عواملی که بر رشد و نمو اثر می‌گذارند بیشتر به وسیله ژنها تعیین می‌شوند، در حالی که عواملی که بر یادگیری اثر می‌گذارند، به وسیله وقایعی که در زندگی فرد رخ می‌دهد تعیین می‌شوند.